

## پیوند زبان فارسی و بنگالی

کلثوم ابوالبشر\*

کشور ما بنگلادش سرزمینی است که از قدیم‌ترین ایام دارای فرهنگ و تمدن بوده است. این سرزمین با ایران و پاکستان فاصله زیادی دارد، اما در عوالم روحی و معنوی بین این سه ملت فواصل ظاهری هرگز تأثیر نداشته و دل‌های ما همواره با فرهنگ و تمدن ایران تماس نزدیکی داشته است. قرن‌هاست که از قند پارسی که به بنگاله می‌آورده‌اند، همه طوطیان هند، شکرشکن و شیرین‌گفتار گردیده‌اند. قرن‌هاست که روابط استوار فرهنگی و دینی و تاریخی بین ایران و شبه قاره پاک و هند و بنگلادش پیوسته برقرار و از برکت احترام متقابل برخوردار بوده است.

بی‌شک آثار ادبی و هنری، یکی از معیارهای هر تمدن است که باید از گزند حوادث مصون بماند. این وظیفه سنگین و مهم بر دوش ادبا و هنرشناسان و دانشمندانی است که حفظ و گسترش روابط فرهنگی و آثار ادبی را بر عهده دارند.

سرزمین بنگال با سابقه دیرینه تاریخی و فرهنگی از کشورهای کهن جهان به‌شمار می‌آید. این کشور صاحب فرهنگی اصیل و غنی و دارای آداب و رسوم و زبان مخصوص به خود می‌باشد؛ فرهنگ و ادبیات خارجیان، مانند ترک، مغول و ایرانی را در فرهنگ و ادبیات خود پذیرفته، ولی اصالت خود را از دست نداده است. با ورود اسلام به این سرزمین، بیشتر مردم اسلام را به‌عنوان دین رسمی خود قبول کردند. آهسته آهسته با ورود اسلام، گروه زیادی از عرفا و صوفیه در این کشور متوطن شدند. وجود اینان باعث شد تا نفوذ کلامشان در ادبیات زبان بنگالی تأثیر ویژه‌ای بگذارد. به‌علاوه

---

\* استاد بخش فارسی دانشگاه داکا، داکا (بنگلادش).

فعالیت‌های مبلغان دینی، احکام و دستورات پسندیده آنها چنان پیشرفت نمود که توده‌های غیرمسلمان مانند بودایی‌ها و هندوها را به‌خود جلب نمود. دکتر کلیم سه‌سرامی، یکی از نویسندگان معروف شبه‌قاره، می‌نویسد:

”خانقاه‌های متصوفین بنگال بدون هیچ‌شک و تردید مرکز علوم دینی و فرهنگی فارسی بوده است“<sup>۱</sup>.

صوفیان و متصوفان مبلغانی که بیشتر آنان فارسی زبان بودند، وقتی که پیغام محبت و عشق الهی را به‌زبان ساده و شیرین که مخلوط به‌زبان بنگالی بود، بیان می‌نمودند، مردم بنگاله در حلقه‌ اثر و جذب آنان قرار می‌گرفتند. از قرن پنجم هجری زبان فارسی به‌عنوان یکی از برنامه‌های درسی در مدارس گنجانده شد. زمانی که در سال ۱۲۰۴ م توسط محمد بن بختیار خلجی، سپهسالار معزالدین محمد سام (شهاب‌الدین غوری)، حکومت مسلمانان در بنگاله تشکیل گردید، وی به‌عنوان نخستین پادشاه مسلمان اولین مدرسه را در شهر رنگپور (نواحی شمالی بنگلادش) تأسیس کرد. به‌نظر می‌رسد که تدریس زبان فارسی از این زمان در مدارس شروع شد.<sup>۲</sup> بعداً زبان فارسی به‌تمام معنی مورد استقبال اهل فضل و هنر قرار گرفت. تقریباً همه‌ی علما و فضلا و شعرا و سخنوران مورّخین و تذکره‌نویسان شبه‌قاره مخصوصاً بنگاله آثار خود را به‌این زبان نگاشتند. سپس از آغاز تا پایان حکومت مسلمانان (۱۲۰۴ تا ۱۸۳۷ م) یعنی تقریباً شش صد سال فارسی، زبان رسمی، دولتی و اداری در شبه‌قاره بود. در این مدت طولانی صدها کتاب به‌زبان فارسی در بنگاله نگاشته شد. وجود منابع بسیار غنی از آثار ادبی و هنری در بنگاله مؤید این حقیقت است. توانایی این زبان نه تنها در ادبیات و هنر بلکه در بیان و انتقال علوم وابسته همچون: تاریخ، مذهب، قرآن، و حدیث غیرقابل انکار است. در کنار ترقی و تکامل زبان فارسی در این سرزمین، هنرهای وابسته به‌آن مانند خطاطی، نقاشی، معماری که مظاهر دیگری از فرهنگ فارسی است، تکامل یافت. کتیبه‌های موجود در کلیه مساجد و خانقاه‌ها و بناهای تاریخی در بنگاله یادآور عظمت و احترام آن دوران است.

۱. مجله دانش، اسلام‌آباد، شماره ۲۳.

۲. تاریخ فرشته به‌حواله تاریخ مدرسه عالیّه از مولوی عبدالستار، ۱۹۵۹ م، داکا.

به‌راستی زبان فارسی مبداء تحوّل بزرگ اجتماعی و فرهنگی در کشور بنگاله بوده و اهمّیت و شایستگی ویژه‌ای را به‌خود اختصاص داده است. بسیاری از زبان‌های موجود در این شبه‌قاره مثل اردو، هندی و بنگالی تکامل خویش را از فارسی یافته‌اند. آموزش زبان فارسی و مطالعه بررسی فرهنگ ادبیات ایران در این منطقه آن‌قدر شدت گرفته بود که مردم بنگاله در ادارات دولتی، مدارس و مجالس به‌زبان فارسی صحبت می‌کردند. هنوز آثاری از ادبیات فارسی و نفوذ فارسی در ادبیات بنگالی موجودند که ناشناخته مانده و باید کوشش همه‌جانبه‌ای در شناسایی و احیای آنها به‌عمل آید. برای فهم بهتر مطلب، به‌یک مقدمه کوتاه اشاره می‌کنم.

قبل از آمدن فاتحان مسلمان به‌بنگاله، حکومت در دست راجه‌های هندو بود و زبان رسمی آنها و پیشوایان دین هندو، سانسکریت بود؛ ولی مردم عامّه به‌زبان بنگالی گفتگو می‌کردند. راجه‌ها و پراهمن‌ها زبان بنگالی را دوست نداشتند و به‌نظر حقیر می‌شمردند<sup>۱</sup>. به‌همین خاطر یک زبان رابط و مرکزی و ملی وجود نداشت. وقتی که حکمرانان مسلمان بنگاله را فتح نمودند، نظر عنایت و التفات خود را به‌زبان بنگالی منعطف کردند. چون آنان می‌خواستند رابطه خوبی با مردم این کشور پیدا کنند. سپس به‌ترویج و ترقی و پیشرفت این زبان کمر بستند. اگرچه بسیاری از حکمرانان بنگاله ترک و مغول بودند، ولی هرگز جز به‌زبان فارسی نمی‌اندیشیدند. بدین علّت آنها در رواج و تشویق هردو زبان کوتاهی نمی‌کردند. طی این مدّت طویل ادبیات بنگالی نفوذ و تأثیر اسلام را پذیرفت. پیش از این ادبیات بنگالی از موضوع‌های اسلامی و دینی خالی بود.

در عهد غیاث‌الدین اعظم شاه (۱۴۱۰-۱۳۷۷ م) شاه محمد صغیر، یکی از قدیم‌ترین نویسندگان بنگاله کتابی به‌نام یوسف و زلیخا به‌زبان بنگالی نوشت. در این کتاب شاه محمد صغیر توصیف غیاث‌الدین اعظم را هم بیان می‌نمود گمان می‌رود که محمد صغیر اولین شاعر زبان بنگالی بود که در زمینه دین اسلام به‌زبان بنگالی شعر سرود.

۱. دکتر عبدالحی، پروفیسور علی احسن و دکتر شهیدالله، بنگالا ادب کی تاریخ (اردو)، ۱۹۵۷ م، داکا.

در دوره سلطان شمس‌الدین یوسف (۱۹۸۱-۱۴۷۳ م) زین‌العابدین اهل چیتاگانگ زندگانی حضرت محمد<sup>ص</sup> را به‌عنوان «رسولبربی جوی» (پیروزی رسول) نوشت<sup>۱</sup> بعداً «شب معراج» و «وفات‌نامه» را تألیف کرد.

تا اواخر قرن هفدهم میلادی پیوند زبان فارسی با بنگالی رو به‌افزایش بود. به‌علت سادگی و روانی و نیز علاقه‌مندی به فارسی، «ادبیات پوتهی» اختراع شد، یعنی ادبیات ترکیبی، منظور از آن وارد کردن لغات و ترکیب‌های فارسی در زبان بنگالی بود.

شاه برید و شیخ چاند شاعران دیگری بودند که به‌تبع زین‌العابدین منظومه‌های اسلامی را به‌زبان بنگالی نوشتند. شیخ چاند کتاب‌هایی به‌نام «قیامت‌نامه» و «طالب‌نامه» نوشت که مبتنی بر افکار تصوّف بودند.

دوره علاء‌الدین حسین  
(۱۵۱۹-۱۴۹۳ م) و نصیرالدین نصرت

شاه (۱۵۲۲-۱۵۱۹ م) عهد زرین زبان

بنگالی بود. در آن زمان زبان بنگالی خیلی پیشرفت کرد و بین هندوان و مسلمانان رابطه‌ای اجتماعی و فرهنگی پیدا شد و هر دو ملت آن‌قدر به‌یکدیگر نزدیک شدند که شاعران هندو نیز موضوعات اسلامی و لغات فارسی را در اشعار خود به‌کار بردند. به‌این نمونه شعر بهارت چند، شاعر هندو توجه کنید:

غضب کربلا ستمی عجب کتا لشکر دو تین لاکھ آدمی تمار<sup>۲</sup>

منظومه‌ها و اشعار درباره واقعه کربلا نیز در ادبیات بنگالی دیده می‌شود. در سال ۱۶۳۵ م محمد خان کتابی به‌عنوان «مقتل حسین»<sup>۳</sup> نوشت. شاعر دیگری به‌نام یعقوب علی جنگ شیرباز با قاسم و فریاد سکینه را به‌تحریر درآورد. در سال ۱۶۸۴ م عبدالنّبی از اهالی چیتاگانگ زندگانی امیر حمزه را به‌عنوان «امیرنامه» ترجمه کرد. شاعر بزرگ بنگالی غریب الله فقیر کتاب امیر حمزه، جلد اول را نوشت. شاعر دیگری به‌نام سید

۱. بنگلا ادب کی تاریخ، ص ۱۳۷.

۲. پرفسور محمد عبدالله، بنگلا ادب پر اسلامی اثرات، مجله پاسبان، داکا، ۱۹۶۶ م.

۳. مجله روابط فرهنگی هند و ایران، کلکته.

حمزه به تبع غریب الله فقیر دوباره کتابی دربارهٔ امیر حمزه نوشت. غریب الله فقیر از صوفیان معروف زمان خود بود و در سال ۱۷۸۰ م درگذشت. در سال ۱۷۲۳ م شاعر محمد «جنگ‌نامه» را نوشت. بعداً شاه صغیر دربارهٔ شجاعت و مردانگی حضرت علیؑ کتابی به نام «جنگ‌نامه» تحریر کرد. کتاب دیگری که به فارسی تحریر شد، «موسار سؤال» یعنی «پرسش‌های حضرت موسیؑ» بود.

در اواسط قرن هفدهم میلادی زبان فارسی در بنگال آن قدر نفوذ پیدا کرده بود که بیشتر اشعار و منظومه‌ها و داستان‌ها در موضوعات کربلا، پیرامون شخصیت و مقام حضرت محمدؐ حضرت علیؑ و شخصیت حضرت فاطمهؑ بودند. شاعر شاه بدیع‌الدی فاطمار «صورت‌نامه» را نوشت. چند داستان فرضی و مبنی بر تخیلات هم دربارهٔ وقایع کربلا نوشته شد، مانند جنگ حنیفه و امیر جنگ.

تا اواخر قرن هفدهم میلادی پیوند زبان فارسی با بنگالی رو به افزایش بود. به علت سادگی و روانی و نیز علاقه‌مندی به فارسی، «ادبیات پوتهی» اختراع شد، یعنی ادبیات ترکیبی، منظور از آن وارد کردن لغات و ترکیب‌های فارسی در زبان بنگالی بود. نویسندگان مسلمان بنگالی سعی کردند که اساس نفوذ زبان فارسی محکم‌تر و استوارتر شود؛ بدین علت بیشتر آنان از استعمال لغات سانسکریت احتراز نمودند و عموماً از صنایع لفظی استفاده نکردند و مطالب را به زبان ساده و سهل اظهار نمودند. «ادبیات پوتهی» به طور کلی ساده، سلیس، روان و بی‌تکلف بود. مردم پوتهی را خیلی دوست داشتند. هنوز در روستاهای بنگلادش مردم همه شب «ادبیات پوتهی» را می‌خوانند و لذت می‌برند. اهمیت ادبیات پوتهی در این نکته است که در آن روح دین اسلامی وجود دارد.

به هر حال باید اضافه نمود که از نخستین و مهم‌ترین نویسندگان «ادبیات پوتهی» غریب الله و سید حمزه بودند. بعداً عبدالرحیم، منیرالدین، محمد منشی، تاج‌الدین، عارف رضاء‌الله و عبدالوهاب نیز از معروف‌ترین نویسندگان «ادبیات پوتهی» به شمار می‌آمدند. قبل از تأسیس کالج فورت ویلیام مشهورترین ادبیات پوتهی و تعدادی از کتاب‌های فارسی که به بنگالی ترجمه شده به شرح زیر است:

اولین کتاب که از فارسی به زبان بنگالی ترجمه شد داستان «سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال»<sup>۱</sup> بود. مترجم این کتاب دونا غازی از اهالی چاندپور (بنگلادش) بود. وی در اواسط قرن شانزدهم میلادی می‌زیست. دیگری عبدالحکیم شاه (۱۶۸۰-۱۶۲۰ م) یکی از برجسته‌ترین نویسندگان در عهد خود بود. وی به تقلید و پیروی شاه محمد صغیر «داستان یوسف زلیخا» را از منابع فارسی به زبان بنگالی ترجمه کرد.

شاعری به نام سید علاول نیز داستان «سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال» را به زبان بنگالی ترجمه کرد. وی کتابی فارسی به نام «تحفه» تألیف مولانا یوسف گدا را نیز در مدت چهار سال به زبان بنگالی برگردانید. سید علاول در دربار شاه شجاع خدمت می‌کرد. وی «سکندرنامه» و «هفت پیکر» نظامی را به زبان بنگالی ترجمه کرد.

در اوایل قرن هفدهم میلادی محمد نوازش خان «قصه گل و بکاولی» را به زبان بنگالی درآورد. همین داستان را محمد مقیم در سال ۱۷۶۰ م ترجمه کرد. کتاب «ده مجلس» را عبدالکریم خوندکار از اهالی برمه و سید علاول به زبان بنگالی ترجمه کرد. کتاب «سرموسی» یا «سرنامه» در سال ۱۷۰۳ م توسط شیخ منصور اهالی چیتاگانگ به زبان بنگالی تلخیص و ترجمه شد.

تا اواخر قرن هجدهم میلادی بسیاری از کتاب‌های فارسی به زبان بنگالی ترجمه شد. به اختصار مهم‌ترین آنها عبارتند از:<sup>۲</sup>

۱. **قصه ملکه شاهی:** نویسنده این کتاب معلوم نیست. نسخه این کتاب در کتابخانه ایشیاتک سوسایتی کلکته موجود است.
۲. **ترجمه قصه ملکه شاهی:** به عنوان «گدا و ملکه» مترجم شیخ سعدی بنگالی ۱۷۱۵ م.
۳. **ایضاً، مترجم شیرباز.**
۴. **قصه حیرت الفقه:** مترجم محمد علی اهل چیتاگانگ.

1. *Indo-Iranica*. Iran Society, Calcutta, Vol. 43, No. 3 & 4, p.6.

۲. مأخوذ از مجله روابط فرهنگی هند و ایران، جلد ۴۳، شماره ۳، کلکته.

۵. قصه حسن بانو: مترجم محمد علی (تلخیص قصه حاتم طائی).
  ۶. هیت اپدیش (نصایح دوست): کتابی در زبان سانسکریت بود. از سانسکریت به زبان فارسی و عربی ترجمه شد. بعداً حیات محمود از اهالی رنگپور (بنگلادش) آن را در سال ۱۷۳۲ م به عنوان «چتو اتهان» یعنی باغ دل از فارسی به زبان بنگالی ترجمه کرد.
  ۷. ترجمه هیت اپدیش: مترجم سید نورالدین اهل چیتاگانگ، ۱۷۹۷ م.
  ۸. ترجمه قصه سلطان یمامه: به عنوان «قصه جمجمه»، مترجم محمد قاسم.
  ۹. ترجمه طوطی نامه: به عنوان «طوطی ایتیهاس» یعنی «تاریخ طوطی» مترجم چاندی چرن منشی.
  ۱۰. ترجمه قصه حاتم طایی: توسط سید محمد حمزه.
- زبان فارسی در بخش‌های مختلف دور و نزدیک بنگاله نفوذ بسیار گسترده‌ای داشته، تأثیر این زبان در بنگال به حدی رسید که اگر کسی بخواهد کلمات فارسی را از آن بیرون بکشد، زبان بنگالی دچار تزلزل خواهد شد.
- در قرن نوزدهم میلادی اشعاری توسط شعرای این مرز و بوم سروده شده که به تقلید از سروده‌های ایرانی می‌باشد. مردم بنگاله سخنوران و شعرا و ادبای ایران را بسیار دوست می‌داشتند و تکریم می‌نمودند و از خواندن کلام آنها لذت می‌بردند. هنوز در مجالس این منطقه اشعار سعدی و حافظ و مولانای رومی و خیام خوانده می‌شود. در منظومه بنگالی، مرشد زاری، معرفتی و باؤل، انواع نغمه‌ها و سروده‌ها وجود دارد که مثل حافظ و مولانای رومی و عطار و سنایی افکار تصوّف و معرفت عشق الهی را شرح می‌دهد. مردم این ناحیه دیوان حافظ و مثنوی مولانای رومی را با لحن مخصوص می‌خوانند و نسبت به حافظ و مولانا تعظیم و تکریم می‌نمایند. این همه تکریم به آنان به جهت افکار و توجه‌شان به نکات قرآن و زبان شیرین فارسی است.
- اشعار عاشقانه و غنایی در زبان بنگالی تحت نفوذ و تأثیر فارسی است. سروده‌های قاضی نذراسلام نمونه آن است. غزل‌های او لطیف، ساده، روان و تغزل در اشعار وی به حدّ کمال است. بسیاری از شاعران دیگر بنگاله سبک‌های ایرانی را در اشعار خود پذیرفتند. به جرأت می‌گوییم که فارسی، زبان بنگالی را کمک کرد که سطح علمی و

فکری و اندیشه خود را بالا برد. مرثیه، رباعی و مثنوی در زبان بنگالی کاملاً از ادبیات فارسی گرفته شده است.

اشعار عاشقانه و غنایی در زبان بنگالی تحت نفوذ و تأثیر فارسی است. سروده‌های قاضی نذراالاسلام نمونه آن است.

در نتیجه گسترش زبان و ادبیات فارسی در بنگاله شکل‌گیری و قالب‌ریزی جدیدی در زبان بنگالی به وجود آمد. دکتر مقصود هلالی (۱۹۶۱-۱۹۰۰ م) فرهنگی به نام «عناصر فارسی و عربی در زبان بنگالی» نوشت و توضیح داد که تقریباً شش هزار لغت و اصطلاحات فارسی و

عربی در زبان بنگالی وجود دارد<sup>۱</sup> و حدود چهل در صد لغات بنگالی از زبان فارسی گرفته شده است. همین‌طور در سال ۱۹۷۰ م ویلیام گولد کتاب «فرهنگ مسلمانی» را در شهر داکا، چاپ کرد. در این کتاب حدود شش هزار لغات فارسی و عربی جمع‌آوری شده است که در زبان بنگالی رایج است. این مهم‌ترین نشانه تأثیر و پیوند زبان فارسی در زبان و ادب مردم بنگاله است. اینک به چند لغت و اصطلاح مهم که در زبان فارسی و بنگالی مشترک هستند، اشاره می‌کنم:

**دادگاه و دادگستری:** عدالت، وکیل، وصیت‌نامه، منصف، پیشکار، قانون، دلیل، جلسه، امین، پروانه، حاکم، حکم، فرمان، حق، خزانه، منشی، وکالت‌نامه، آیین، دستور.

**اعضاء جسم:** پا، بازو، بدن، زبان، سر، پیشانی، کمر، پوست، چهره، صورت، دل، سینه، گردن، ناخن، زلف، دست (هست)، پنجه.

**لباس‌ها:** چادر، عمامه، جبّه، پرده، شلوار، پیراهن، عمامه، بازوبند، کمر بند، پوشاک.

**غذاها:** قورمه، بریانی، کوفته، گوشت، پلاو (پلو) پنیر، چای، حلوا، کباب، قیمه، مرّبه (مرّبا) سبزی، انار، سیب، انگور، خربزه، خوراک، پسته، بادام، کشمش.

**لغات دینی و مذهبی:** نماز، روزه، خدا، اذان، بندگی، مسجد، زکوة، پیغمبر، ایمان، مدبر، قربانی، عید، مرثیه، تعزیه، ماتم، جنت، دوزخ، قیامت، کافر، ملأ، بهشت، پرهیزگار، جای‌نماز، جماعت، جمعه، ظهر، عصر، قبل از جمعه.

1. Dr. Ghulam Maqsood Hilali, *Perso-Arabic Elemets Bengali*, Dhaka, 1967.



**لغات خویشان:** بابا، خاله، داماد، بچّه، شوهر، کنیز، غلام، دوست، یار، دشمن.  
**پرنده و جانور:** گاو (گابهی)، شیر، بلبل، کبوتر، باز، طوطا (طوطی)، خرگوش، مرغ، جانور.

**اسم خانم و آقا:** نسیم جهان، دلریا، دل افروز، گوهر جان، نورجهان، گلبدن، آرزو، فاطمه، رونق، ملیحه، فردوسی، زینت آرا، جمشید، حسن، حسین، افتخار عالم، محمد علی، زهرا، کنیز، بتول.

**اسم مکان:** یتیم‌خانه، حمام‌خانه، پیل‌خانه، گلشن، گلستان، دلگشا، سرای‌خانه، مسافرخانه، آستانه، کارخانه، ویران، بالاخان، دالان، آسمان، زمین، بازار، جنگل.

همچنین در گفتگوهای روزمره مردم بنگلادش لغت زیر هم شنیده می‌شود.  
 آباد، آتش‌بازی، آرام، آمدنی، آواز، آهسته (آست) آینه، اجاره، استعفا، احمق، اندازه، استاد، آب و هوا، آسان، بیمه، بادشاه، بار بزرگ، بهادر، بیچاره، بیکار، بیهوش، بالش، برف، بیمار، پری، پریشان، پسند، پشم، پیشه، تاریخ، توشک، جان، جوان، چالاک، چراغ، خاموش، خبردار، خرید، خریدار، خوراک، خواب، دانه، دربار، درد، دور، دوربین، دوات، زندگی، رنگ، چهلم، سایه، (چه‌ایا) سبز، (سوز) سرد، سود، سابق، شادی، شرم، شروع، طوفان، فرار، فریاد، کم، کتاب، کاغذ، کرسی، فقیر، لنگر، مزدور، مرئی، مهربانی، مشکل، مکتب، مدرسه، معلم، نرم، نظر، نمونه، وزن، هفته.  
 مقداری از لغات بنگالی با آمیزش لغت فارس ساخته شده‌اند، مانند<sup>۱</sup>

بنگالی	فارسی	=	معنی لغت
گانجا + خور	= گانجا خور		کسی که گانجا می‌خورد
گول + انداز	= گول انداز		تفنگ‌ساز (gunner)
چال + باز	= چالباز		حقّه‌باز
فاکی + باز	= فاکی‌باز		تبل، مکار
گلا + بند	= گلابند		گلوبند (ممکن است که تغییر یافته همان ترکیب فارسی باشد).

۱. ماخوذ از دکتر مقصود هلالی، عناصر عربی و فارسی در زبان بنگالی.

رانی	+	پسند	=	رانی پسند	انبه
تخت	+	پوش	=	تخت پوش	لوازم رختخواب، bed cover
شکا	+	نویس	=	شکانویس	هدیه استاد
چریا	+	خانه	=	چریاخانه	باغ وحوش
دوا	+	خانه	=	دواخانه	داروخانه
داک	+	خانه	=	داکخانه	پستخانه
تهانه	+	دار	=	تهانه دار	پلیس، شهربانی
انگشی	+	دار	=	انگشی دار	سهم دار
پان	+	دان	=	پاندان	جایی که «پان» می گذارند
چهایی	+	دان	=	چهایی دان	زیر سیگاری ash tray
پرمان	+	صحیح	=	پرمان صحیح	دلیل صحیح
ماپ	+	صحیح	=	ماپ صحیح	اندازه درست
بابو	+	گری	=	بابوگری	آدم خودنما fops
کرانی	+	گری	=	کرانی گری	منشی
گدی	+	نشین	=	گدی نشین	کسی که ارث می گیرد

دانسته شده است که فارسی و سانسکریت از ریشه زبان‌های هند و اروپایی هستند. بعداً اگرچه این دو زبان از یکدیگر جدا شدند و امروز میان زبان فارسی و سانسکریت فرق بسیار است ولی وجود مقداری از الفاظ مشترک و متشابه میان هردو زبان بیانگر این نظریه است که اساس هردو زبان یکی بود. زبان بنگالی چون دختر زبان سانسکریت است، بنابراین تعدادی از لغات بنگالی که از سانسکریت گرفته شده‌اند با زبان فارسی پیوند و وابستگی دارند، مانند:

معنی	لغات سانسکریت/ بنگالی	لغات فارسی جدید
به زبان انگلیسی	و تلفظ به زبان انگلیسی	
Lusture	abha	ابها / آب
Cloud	abhara	ابھرا / ابر
eye-brow	bhuru	بھرو / ابرو

Rest	aram	آرام	آرام
Horse	ashva	اسوا	اسب
Sky	ashman	اشمان	آسمان
Camel	ushtra	اشترا	شتر
Finger	angushta	انگشتا	انگشت
Voice	A'va	آوا	آواز
Burden	bhara	بهارا	بار
Arm	bhahu	باهو	بازو
Morning	bhama	بهاما	بامداد
Brother	bharata	بهراتا	برادر
country land	bhumi	بهومی	بوم
Fear	bhima	بهیما	بیم
Father	pitri	پتری، پتا	پدر
window, cage	panjara	پنجره	پنجره
Son	putra	پترا	پور
Body	tanu	تنو	تن
Umbrella	chatra	چهاترا	چتر
Hand	hasto	هستو	دست

بعد از تأسیس کالج فورت ویلیام، زبان بنگالی از موضوعات اسلامی دورتر شد. چون گروهی از نویسندگان هندو دوست نداشتند که در زبان بنگالی لغت‌های فارسی و عربی رواج یابد. آنها به جای لغات فارسی، بیشتر الفاظ سانسکریت را در این زبان داخل کردند. ولی بسیاری از شاعران و نویسندگان مسلمان این روش را قبول نکردند مانند میر مشرف حسین، کیقباد، شیخ فضل‌الکریم، ریاض‌الدین مشهدی «ادبیات پوتهی» را ادامه دادند. از اوایل قرن بیستم تا به حال در ادبیات بنگالی تأثیر و نفوذ فارسی دوباره نمودار شد. چون شاعران مسلمان مثل مزدل حق، سید اسماعیل سراجی، یعقوب علی چوهدری، شهادت حسین، قاضی نذراالاسلام، دکتر شهیدالله، قاضی مطهر حسین و

غلام مصطفی، فرخ احمد، اخترالعالم، سید علی اشرف، سید علی احسن، برکت الله، انعام الحق و جسیم الدین و غیره در پیشرفت ادبیات بنگالی کارهای مهمی انجام دادند و زبان بنگالی را به لغات فارسی مزین کردند.

در اواسط قرن هفدهم میلادی زبان فارسی در بنگال آن قدر نفوذ پیدا کرده بود که بیشتر اشعار و منظومه‌ها و داستان‌ها در موضوعات کربلا، پیرامون شخصیت و مقام حضرت محمد ص حضرت علی ع و شخصیت حضرت فاطمه ص بودند.

از اواسط قرن نوزدهم تا به حال بیشتر آثار فارسی به زبان بنگالی ترجمه شده و تعداد بسیاری از کتاب‌ها راجع به تاریخ ادبیات ایران به رشته تحریر درآمده‌اند. برای اطلاع پژوهشگران و علاقه‌مندان فهرستی از این کتاب‌ها آورده می‌شود.

### ترجمه غزلیات و رباعیات حافظ شیرازی

۱. رباعیات حافظ (۶۵ رباعی ترجمه شده): اجه کمار بهتاچاریه، سال ۱۳۳۶ ب.
۲. رباعیات حافظ (۷۳ رباعی ترجمه شده): مترجم قاضی نذراالاسلام، کلکته، ۱۳۶۹ ب.
۳. دیوان حافظ: مترجم دکتر محمد شهیدالله، ۱۹۳۸ م، داکا.
۴. دیوان حافظ: مترجم قاضی اکرم حسین، ۱۹۶۱ م، داکا.
۵. رباعیات حافظ: مترجم عزیزالحکیم.
۶. حافظ غزل گهچچو (گلدسته غزلیات حافظ): مترجم عبدالحافظ، ۱۹۸۴ م، داکا.
۷. رباعیات حافظ: مترجم دکتر شهیدالله، ۱۹۳۹ م.
۸. رباعیات حافظ: مترجم عبدالحافظ، ۱۹۸۷ م، داکا.
۹. دیوان حافظ: مترجم نریندر دیو، ۱۹۵۹ م، کلکته.
۱۰. مترجمان هندو: ستیندرو نات، مهیت چند لال، جتیندر موهن باگچی، چندوشین، مکھو پادهی، شکتی بندهو پادهی، چندی چرن مترا، ساوتری پرودها، پندت کرشنا چندر مجومدار، کانتی چندر گهوش، کیشب چندر گهوش، گریش چندر گوش و... غزلیات حافظ را ترجمه کردند.

## کتاب‌هایی درباره مولانای رومی و ترجمهٔ مثنوی

۱. مولانا رومیر مثنوی شریف (جلد اول): مترجم اظهر علی بختیاری، ۱۳۰۲ ب، داکا.
۲. مثنویر کھانی (داستان مثنوی): نذراالحق، ۱۳۹۵ ب، داکا.
۳. مثنوی گلیو (داستان مثنوی): خلیل‌الرّحمن، ۱۹۶۷ م، داکا.
۴. مثنوی گلیو (داستان مثنوی): عبدالستار، داکا.
۵. رومیر مثنوی (مثنوی رومی): مترجم منیرالدین یوسف، ۱۳۷۳ ب، داکا.
۶. ابن العربی و جلال‌الدین محمد رومی: محمد سلیمان علی سرکار، ۱۹۸۴ م، داکا.
۷. مثنوی رومی: قاضی اکرم حسین، کلکتہ.
۸. مولانا رومیر مثنوی شریف (جلد اول تا سوم): مترجم مولانا عزیزالحق، ۱۳۹۵ ب، داکا.
۹. مثنوی رومی (جلد اول تا چهارم): مترجم مولانا عبدالمجید، ۱۹۸۶ م، داکا.
۱۰. مولانا جلال‌الدین رومی: از غلام رسول محمد، ۱۹۶۴ م، داکا.
۱۱. بشو پریمک رومی (عاشق جهان - رومی): شمس‌الدین محمد اسحق، ۱۹۷۴ م، داکا.
۱۲. مولانا رومی: از عبدالستار، ۱۹۸۰ م، داکا.

## فردوسی و شاهنامهٔ او

۱. فردوسیر شاهنامه (جلد اول تا ششم): مترجم منیرالدین یوسف، ۱۹۹۲ م، داکا.
۲. مهاکوی فردوسی (شاعر بزرگوار - فردوسی): منیرالدین یوسف، ۱۹۸۸ م، داکا.
۳. فردوسیر چرمیترو (کردار فردوسی): مجمل حق، ۱۳۴۵ ب، کلکتہ.
۴. ناتک فردوسی (نمایشنامهٔ فردوسی): ۱۹۶۴ م.
۵. چهیلیدیر شاهنامه (شاهنامهٔ کودکان): مولوی ابراهیم خان، ۱۳۲۹ ب، داکا.
۶. چهوتو دیر شاهنامه (شاهنامه برای بچہ‌ها): واجد علی.
۷. ترجمهٔ شاهنامه در نظم: مزمل حق.
۸. ترجمهٔ رستم و سهراب: دویجندرالال رای.
۹. شاهنامار کوی فردوسی (شاعر شاهنامه - فردوسی): عبریش رای.

## سعدی شیرازی و آثارش

۱. بوستانیر بنگوانوباد (بنگلا ترجمه بوستان): مترجم عبدالمنان، ۱۹۸۵ م.
۲. گلستانیر بنگوانوباد (ترجمه گلستان در بنگالی): مترجم عبدالمنان، ۱۹۸۹ م.
۳. مهاکوی شیخ سعدی (شاعر بزرگوار - شیخ سعدی): مبارک حسین، ۱۹۸۷ م، داکا.
۴. کریمای سعدی (ترجمه پندنامه): مترجم قاضی اکرم حسین، ۱۹۴۸ م.
۵. گلستانیر گلیو (داستان‌های شیخ سعدی): محمد حبیب الله بهار.
۶. شیخ سعیدیر گلیو (داستان‌های شیخ سعدی): عبدالستار، ۱۹۸۰ م، داکا.
۷. ست بهابه ستک (صد پندها از گلستان): کرشن چندر مجومدار، ۱۸۶۱ م.<sup>۱</sup>
۸. گلستان: مترجم عبدالصمد، اهالی چتاگانگ.
۹. گلستان (اولین ترجمه به زبان بنگالی): آگستن دی سلوا، ۱۸۵۲ م.
۱۰. نصیحت‌نامه (ماخوذ از پندنامه): سید جان، ۱۸۶۸ م، داکا.
۱۱. هیتو پاکهن مالا (جلد اول؛ برگزیده داستان‌های گلستان سعدی): گریش چند سین، ۱۸۷۱ م، داکا.
۱۲. اددان (میدان/باغ): مترجم مولانا محمد یعقوب، ۱۸۹۵ م.
۱۳. پشپو اددان (گلستان): مترجم عبدالقادر، ۱۹۰۱ م.
۱۴. گلستانیر بنگوانو باد (ترجمه گلستان به بنگالی): مترجم عبدالقادر، ۱۹۰۵ م.
۱۵. نیتی کانن (ترجمه باب هشتم بوستان): دیوان شمس‌الدین احمد، ۱۹۱۱ م.
۱۶. فولستان (گلستان): مترجم مهیما رنجن و خیرالانعام، ۱۳۱۸ ب.
۱۷. اپدیش لمری (ترجمه پندنامه سعدی): مترجم رادها گوبند گنگا پادهو، ۱۹۱۰ م.
۱۸. ستو بهابه کسم یا کلام سعدی: حبیب‌الرحمن، ۱۹۲۵ م.
۱۹. گلستانیر گلیو (داستان‌های گلستان): حبیب‌الرحمن، ۱۹۲۹ م.
۲۰. مهاکوی سعیدیر گلستانیر بنگوانوباد (ترجمه گلستان سعدی در بنگالی): مترجم شیخ حبیب‌الرحمن، ۱۹۳۳ م.
۲۱. گلستانیر گلیو (داستان‌های گلستان برای کودکان): بنده علی میا، ۱۹۶۳ م، داکا.

۱. شماره ۷ تا ۲۰ ماخوذ از "شیخ سعدی شاشی در ادبیات بنگالی" از دکتر رضیه سلطانه، داکا.

۲۲. حضرت شیخ سعدی: ناظم الدین بهویان، ۱۹۷۸ م، داکا.
۲۳. پندنامه: مترجم محمد اکمل، ۱۸۶۳ م، کلکته.
۲۴. بوستان: مترجم عبدالجلیل.
۲۵. گلستان: مترجم عبدالجلیل.
۲۶. آلوکیر سندهانه شیخ سعدی (شیخ سعدی برای تلاش نور و روشنی): عبدالستار، ۱۹۸۰ م.

#### عمر خیام و رباعیات او

۱. رباعیات عمر خیام (۷۵ رباعی ترجمه شده): مترجم کامنی چندر گهوش، ۱۳۶۸ ب، کلکته.
۲. رباعیات عمر خیام: مترجم سکندر ابوجعفر، ۱۹۶۰ م، داکا.
۳. عمر خیام میر رباعیات: مترجم یوسف حیدر، ۱۹۸۵ م، داکا.
۴. رباعیات عمر خیام: مترجم قاضی نذراالاسلام، ۱۹۵۹ م، داکا.
۵. رباعیات عمر خیام: مترجم دکتر محمد شهیدالله، ۱۹۵۲ م، داکا.
۶. رباعیات عمر خیام: مترجم نریندر دیو.

#### علّامه اقبال لاهوری و آثار فارسی او

۱. رموز بیخودی: مترجم مرزا سلطان احمد، داکا.
۲. رموز بیخودی: ابوالفرح محمد عبدالحق، ۱۹۵۵ م، داکا.
۳. رموز بیخودی: مترجم عبدالحق فریدی، داکا.
۴. اسرار خودی: سید عبدالمنان، ۱۹۵۰ م، داکا.

#### کتاب‌هایی درباره تاریخ زبان و ادبیات فارسی

۱. پارش شیر پروتی بها (جلد اول و دوم؛ نابغه‌های ایران): محمد برکت الله، ۱۰۲۴ م.
۲. پارش شیر ساهتیر ایتیهاس (تاریخ ادبیات فارس): شری هریندر چند پال، ۱۹۵۳ م، کلکته.

۳. مسلم منیسا (دانشمندان مسلمان): عبدالمودود، چاپ دوّم، ۱۹۷۰ م، داکا.
۴. ایرانیر کوی (شاعران ایران): پروفیسور منصورالدّین، چاپ اوّل ۱۹۶۸ م، داکا.
۵. فارسی ساهتیر کالوکرم (بررسی ادبیات فارسی): عبدالستار، ۱۹۸۹ م، داکا.
۶. فارسی ساهتیر لوقق اپادان (افسانه‌های ملی در ادبیات فارسی): عبدالستار، ۱۹۸۰ م، داکا.
۷. بنگلادیشی فارسی ساهتو (ادبیات فارسی در بنگلادش): پروفیسور محمّد عبدالله، ۱۹۸۴ م، داکا.
۸. فنلو گلاب ایران دیشی (گل‌هایی که در ایران شکوفه کردند): اختر فاروق، ۱۹۸۰ م، داکا.
۹. نذرالاسلام کاببو عربی، فارسی شبیدو (لغات فارسی و عربی در اشعار قاضی نذرالاسلام): عبدالستار، ۱۹۹۲ م، داکا.

#### کتاب‌های ادبی و تاریخی که به زبان بنگالی ترجمه شده

۱. تذکره‌الاولیا (جلد اوّل و دوّم): شیخ فریدالدّین عطار، مترجم الحاج محمّد شمس‌الدّین، ۱۹۵۷ م، داکا.
۲. کلّیله و دمنه یعنی ترجمه انوار سهیلی: حسین واعظ الکاظمی، مترجم غلام سمدانی قریشی، ۱۹۶۹ م، داکا.
۳. همایون‌نامه از گلبدن بنت بابر: مترجم مصطفی هارون، ۱۹۷۸ م، داکا.
۴. تاریخ فیروزشاهی از ضیاءالدّین برنی: مترجم غلام سمدانی قریشی، ۱۹۸۲ م، داکا.
۵. بیمارستان غیبی از علی‌الدّین غیبی: ترجمه انگلیسی مرزا ناتهن، ترجمه بنگالی از ناتهن، خالقدار چوهدری، داکا.
۶. تاریخ شیر شاهی: مترجم محمّد علی چوهدری.
۷. طبقات اکبری (جلد اوّل و دوّم) از نظام‌الدّین احمد بخشی: مترجم احمد فضل‌الرّحمن، ۱۹۷۸ م، داکا.
۸. سیرالمتأخّرین از سیّد غلام حسین طباطبایی: مترجم دکتر ام. قادر، ۱۹۷۸ م، داکا.



۹. طبقاتِ ناصری از منہاج سراج: مترجم ابوالکلام محمد زکریا، ۱۹۸۳ م، داکا.
۱۰. فتوحاتِ فیروز شاهی از فیروز شاه تغلق: مترجم پروفیسور عبدالکریم، ۱۹۸۹ م، داکا.
۱۱. سیاست‌نامه از نظام‌الملک طوسی: مترجم زاهد حسین، ۱۹۶۹ م، داکا.
۱۲. تاریخ فرشته: محمد قاسم.
۱۳. تذکره‌الاولیا: مترجم مولوی گریش چندر سین<sup>۱</sup>.
۱۴. ترجمه ریاض السلاطین: غلام حسین، مترجم رام برن گیتا.

### کتاب‌های فرهنگ و دستور زبان فارسی و آموزش فارسی

۱. ای مسلمانان بنگالی - انگلش دکشنری: ریو ویلیام گولد سیک، ۱۹۷۰ م، داکا.
۲. پرشیو عربک الیمنش ان بنگالی (عناصر فارسی و عربی در بنگالی): دکتر شیخ غلام مقصود هلالی، ۱۹۶۷ م، داکا.
۳. تیسرا المبتدی: مولوی مفتی منصورالحق، ۱۹۶۷ م، داکا.
۴. فارسی بهاشا ریباکرن (دستور زبان فارسی): انیس الرّحمن شفن، ۱۹۹۰ م، داکا.
۵. پرشین گرامر ایند کمپوزیشن ان بنگالی: سکندری بورد، داکا، ۱۹۴۷ م.
۶. گلشن فارسی (برای کلاس نهم و دهم دبیرستان بنگلادش): دکتر کلثوم ابوالبشر، ۱۹۸۸ م، داکا.
۷. فارسی جدید برای دانش‌آموزان (ابتدایی): دکتر کلثوم ابوالبشر با همکاری خانه فرهنگ، ۱۹۸۴ م، داکا.
۸. آدهونک و پراچالیتو کتھا بارتا (جدید و گفتگوهای عامه به زبان فارسی): محمد روح‌الدین، ۱۹۷۷ م، داکا.

### کتابنامه

۱. دکتر عبدالحی، شهیدالله و علی احسن، بنگلا ادب کی تاریخ (اردو)، ناشر: داکا یونیورسٹی، ۱۹۵۷ م، داکا.

۱. مجله روابط فرهنگی هند و ایران، کلکته.

۲. سید علی احسن بنگالی ایند اردو (انگلیسی)، ۱۹۶۲ م، بنگلا اکیدمی، داکا.
۳. هلالی، شیخ غلام مقصود، عناصر فارسی و عربی در بنگالی (بنگلا)، ژانویه ۱۹۶۷ م، داکا.
۴. محمد انعام الحق، تاریخ تصوف (انگلیسی)، ۱۹۷۵ م، داکا.
۵. مجله روابط فرهنگی هند و ایران، جلد ۴۳، شماره ۳ و ۴، کلکته.
۶. مجله دانش، رایزنی جمهوری اسلامی ایران، اسلام‌آباد، شماره ۲۳.
۷. پروفیسور محمد عبدالله، ادبیات فارسی در بنگلادش (بنگلا)، ۱۹۸۲ م، داکا.
۸. محمد برکت الله، انشاء برکت الله (بنگلا)، بنگلا اکیدمی، داکا.